

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال دوازدهم - شماره سوم - شماره پيوسته ۳۷ - پاییز ۱۴۰۱

بررسی ساختاری و محتوایی بایاتی‌های غنایی روستاهای حکیم‌آباد، قاسم‌آباد و صدرآباد

شهرستان زرنديه (استان مرکزی) (ص ۸۹-۱۰۹)

20.1001.1.2345217.1401.12.3.4.8

اصغر شهبازی (نویسنده مسئول)، محدثه انوری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۶

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

بایاتی گونه غالب و رایج شعر تغزلی مردم ترک‌زبان است. بایاتی‌ها از مضامین متنوعی (غنایی، اجتماعی، تاریخی و دینی) برخوردارند و به همین دلیل، در جشن‌ها و مراسم‌های مختلف خوانده می‌شوند. بایاتی‌ها همچنین آینه باورها، آداب و رسوم، خلق و خو و آمال مردم ترک‌زبان‌اند و از این جهت نیز اهمیت زیادی دارند. خوشبختانه در سال‌های اخیر و در پرتو توجه به ادبیات عامه در مناطق مختلف کشور، درباره بایاتی‌ها، به‌ویژه بایاتی‌های مردم آذربایجان، پژوهش‌های خوبی صورت گرفته است، اما بررسی دقیق نشان می‌دهد که درباره بایاتی‌های سایر مناطق ترک‌زبان، از جمله شهرستان زرنديه در استان مرکزی، پژوهش ویژه‌ای صورت نگرفته است و به همین دلیل در این مقاله، بایاتی‌های روستاهای حکیم‌آباد، قاسم‌آباد و صدرآباد شهرستان زرنديه به شیوه میدانی جمع‌آوری و با روش تحلیل محتوا (رویکرد توصیفی-تحلیلی) نقد و بررسی شده‌اند. در این بررسی مشخص شده است که بیش از صد بایاتی با مضامین مختلف در این سه روستا وجود دارد، اما بیشترین بسامد را بایاتی‌های غنایی دارند. این بایاتی‌ها همچون بایاتی‌های آذربایجانی، چهار مصراع‌ی و هجایی‌اند، اما چون در برخی از آن‌ها کمیّت هجاها رعایت نمی‌شود، درنگ و مکث در تنظیم آهنگ، نقش مهمی دارد. در اغلب آن‌ها قافیه وجود دارد؛ همانند بسیاری از بایاتی‌های ترکی، مصراع‌های اول در حکم مقدمه‌اند و مضمون اصلی در مصراع‌های پایانی بیان شده است. بیشتر شاخص‌های شعر عامه، از جمله سادگی لفظ و زبان، قلت صناعات ادبی و مشخص نبودن سراینده را دارند و در مجموع با بایاتی‌های آذری تفاوت چندانی ندارند.

کلمات کلیدی: ادبیات عامه ترکی، بایاتی، زرنديه، ساختار، محتوا.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری، شهرکرد، ایران

Email: asgharshahbazi88@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان استان چهارمحال و بختیاری، شهرکرد، ایران

Email: Mohadeseh.a6975@gmail.com

## ۱. مقدمه

شعر عامه، آینه احساسات، عواطف، ذوق و هنر توده مردم و به تعبیری معرفی‌کننده اقوام گوناگون است؛ شناخت اقوام گوناگون، بدون شناخت فرهنگ، زبان و ادب عامه، میسر و کامل نیست. همه کسانی که دل در گرو شناخت اقوام مختلف ایرانی دارند و می‌خواهند آداب و رسوم، خلق و خو، ذوق و هنر ایشان را بشناسند، باید به زبان و ادب عامه توجه کنند.

ادب عامه، گستره وسیعی دارد. در یک تقسیم‌بندی کلی آن را به بخش‌های ادب داستانی عامه، ادب نمایشی عامه، ادب غیرروایی عامه و ادب منظوم عامه تقسیم می‌کنند (نک. ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۳۴۰). در این تقسیم‌بندی، ادب منظوم عامه خود به فروعی همچون اشعار شادی، اشعار سوگ، اشعار بازی و سرگرمی، اشعار خواب و نوازش، اشعار نیایشی و اشعار تغزلی تقسیم می‌شود. هر کدام از این فروع نیز خود دارای چندین گونه است؛ بنابراین انواع ادبی عامه در مناطق مختلف با تنوعی کم‌نظیر همراه‌اند، به گونه‌ای که می‌توان گفت مطالعه همه‌جانبه آن‌ها نیازمند همت و تلاش گروهی است.

در همین راستا، مردم ترک‌زبان ایران یکی از اقوامی هستند که از زبان و ادب عامه غنی و گسترده‌ای برخوردارند و این موضوع را اشعار عامه گوناگون آن‌ها به اثبات رسانده است. شعر تغزلی آن‌ها در گونه‌های «بایاتی»، «گرایلی» و «قوشما» نمونه‌های فراوانی دارد. سوگ‌سروده‌های آن‌ها را می‌توان در گونه‌های «ساغور»، «آغی» و «اوخشاما» دید. لالایی‌ها، مثل‌ها، اشعار بازی و چیستان‌هایشان را می‌توان در «لای لارها»، «اوخشامالارها»، «روزگولارها»، «اویون لارها» و «تاپماجالارها» ملاحظه کرد و البته در این میان، بایاتی‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند.

بایاتی گونه غالب و رایج شعر عامه ترک‌زبانان است. این نوع شعر، با روح و جان این مردم پیوند دیرینه‌ای دارد. شکل و قالب ساده، تنوع مضمون و محتوا، سادگی زبان، آهنگ و موسیقی دلنشین باعث شده که این نوع شعر، به عنوان جذاب‌ترین نوع ادبی عامه ترکی به حساب آید. اشتیاق مردم ترک‌زبان به خواندن این نوع شعر تا بدان پایه است که به هنگام ملال و سرگستگی بدان تفأل می‌زنند (نک. سومینا، ۱۳۸۷: ۲۱).

تمرکز اقوام ترک‌زبان در شمال غربی ایران باعث شده که برخی بیندارند این نوع شعر خاص آن مناطق است و در نتیجه بایاتی‌های سایر مناطق ترک‌زبان ایران از نظر دور بماند و به تبع آن، گستردگی، تغییر و تحول این نوع ادبی عامه به خوبی تبیین نشود. برای نمونه، شهرستان زرنده در استان مرکزی، یکی از آن مناطقی است که این نوع شعر در آن رواج داشته و اکنون نیز بسیاری از پیرمردان و پیرزنان، میان‌سالان و جوانان، نمونه‌هایی از این اشعار را در خاطر دارند و هر گاه حس و حالی پیدا کنند، تعدادی از این بایاتی‌ها را می‌خوانند و گاه همراه با خواندن، اشک می‌ریزند. متأسفانه کم‌توجهی متولیان امر و غفلت برخی از پژوهشگران سبب شده، بسیاری از بایاتی‌های این منطقه

فراموش شود و آنچه نیز موجود است جمع‌آوری و بررسی نشود. بر همین اساس در این مقاله، با نگاهی به شکل، ساختار و مضمون بایاتی، درباره بایاتی‌های غنایی روستاهای حکیم‌آباد، قاسم‌آباد و صدرآباد شهرستان زرنندیه از نظر ساختار و محتوا بحث شده است.

## ۱-۱. بیان مسئله

بررسی محتوایی و ساختاری بایاتی‌های غنایی روستاهای حکیم‌آباد، قاسم‌آباد و صدرآباد شهرستان زرنندیه (استان مرکزی) موضوع این پژوهش است. با این توضیح که بایاتی به عنوان رایج‌ترین گونه اشعار تغزلی عامه زبان ترکی از ویژگی‌های محتوایی و ساختاری ویژه‌ای برخوردار است. تنوع و تعدد مضامین، شکل، وزن و ساختار ویژه، از مهم‌ترین ویژگی‌های قابل بررسی در بایاتی‌ها هستند. بررسی پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره بایاتی‌ها، نشان می‌دهد در بیشتر این پژوهش‌ها، گزارش جمع‌آوری این نوع از اشعار، به‌ویژه در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و زنجان مدنظر بوده و کمتر درباره ویژگی‌های زبانی، بلاغی، محتوایی و ساختاری آن‌ها بحث شده است؛ در حالی که اولاً این نوع شعر به استان‌های آذربایجان و زنجان اختصاص ندارد و در سایر مناطق ترک‌زبان نیز نمونه‌های خوبی از این نوع شعر می‌توان دید؛ و انگهی بررسی این اشعار از منظر ساختار و محتوا، نتایج خوبی در بر دارد و دست‌کم نشان می‌دهد که چرا مردم ترک‌زبان به این اشعار علاقه دارند و در غم و شادی، خوف و رجا، عشق و هجران و غیره آن‌ها را زمزمه می‌کنند؛ بنابراین موضوع این مقاله بررسی ساختاری و محتوایی بایاتی‌های سه روستای یادشده است؛ این مقاله برای پاسخ‌دادن به پرسش‌های زیر فراهم آمده است:

- ۱- بایاتی‌ها در روستاهای حکیم‌آباد، قاسم‌آباد و صدرآباد شهرستان زرنندیه استان مرکزی چه جایگاهی دارند؟
- ۲- بایاتی‌های تغزلی روستاهای حکیم‌آباد، قاسم‌آباد و صدرآباد از منظر محتوا و ساختار چه ویژگی‌هایی دارند؟
- ۳- بایاتی‌های روستاهای حکیم‌آباد، قاسم‌آباد و صدرآباد با بایاتی‌های ترکی سایر مناطق چه شباهت‌ها یا تفاوت‌هایی دارند؟

## ۲-۱. پیشینه تحقیق

درباره بایاتی‌های استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، پژوهش‌های نسبتاً زیادی صورت گرفته است. سفیدگر شهانقی در مقاله «بایاتی‌های آذربایجان» به برخی از ویژگی‌های محتوایی و ساختاری بایاتی‌ها اشاره کرده و تاریخ جمع‌آوری آن‌ها را به زمان نگارش سیاحت‌نامه شاردن (عهد صفوی) رسانده است (نک. سفیدگر شهانقی، ۱۳۸۱: ۳۲-۳۳). سومینا نیز در مقاله «قبله‌گاه قبیله» (نگاهی به قالب

بایاتی در ادبیات آذربایجان) لفظ بایاتی را برگرفته از نام قبایل ترک دانسته و بیان داشته که عشق در این اشعار جایگاهی ویژه دارد؛ این اشعار هفت هجایی اند و عنصر لحن در خواندن آن‌ها مهم است (نک. سومینا، ۱۳۸۷: ۲۰-۲۱). سرافیلی نیز در مقاله «دوبیتی‌های آذری» درباره وجه تسمیه این نوع اشعار عامه، وزن، شکل و محتوای آن‌ها بحث کرده و نمونه‌های خوبی از آن‌ها را ارائه کرده است (نک. سرافیلی، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۹). طوسی نصرآبادی نیز در مقاله «وزن در بایاتی‌های ترکی آذربایجانی» با بررسی یکصد بایاتی به این نتیجه رسیده است که وزن بایاتی‌ها از نوع تکیه‌ای - هجایی است؛ یعنی تعداد تکیه‌ها و نیز تعداد هجاها در ایجاد وزن نقش دارد (نک. طوسی نصرآبادی، ۱۳۹۴: ۱۶۰). رادبه پرنده نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «مفهوم‌بندی‌های فرهنگی - اجتماعی در اشعار بایاتی آذربایجان» به این نتیجه رسیده است که بایاتی‌های آذربایجان از نظر مفهوم در گروه‌های اخلاقی و خانواده، کار و اقتصاد، عشق و زندگی، مردانگی و وطن‌پرستی، تربیتی، اعتقادی، دینی، درد و غم قرار می‌گیرند. این تنوع نشان‌دهنده آن است که مردم ترک‌زبان با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود بایاتی‌هایی سروده‌اند و این بایاتی‌ها در واقع بازتاب وقایع و اتفاقاتی هستند که در پیرامون آن‌ها روی می‌داده است (نک. پرنده، ۱۳۹۳). اما درباره بایاتی‌های رایج در استان مرکزی، ابتدا باید از مجله «آذربایجان ائل بیلیمی» یاد کرد که در دو ویژه‌نامه و شماره ۷۹ آن، به نمونه‌هایی از ادب عامه استان مرکزی اشاره شده است. در شماره ۷۹ این مجله، اسدالله امیری، سیزده بایاتی از روستای مرغنی‌کنده (بخش نوبران شهرستان ساوه) به نقل از سارای خاتون امیری را آورده است (نک. امیری، ۱۳۹۵: ۵۹-۶۱). حمید قرائی نیز در همین مجله، ۴۹ بایاتی از بایاتی‌های ایل شاهسون بغدادی (متوطن در استان‌های قم و مرکزی) آورده است (نک. قرائی، ۱۳۹۵: ۶۱-۶۵). در دهه چهل شمسی، سلام‌الله جاوید نمونه‌هایی از اشعار عامه شهرستان ساوه را جمع‌آوری کرده و در مجله «آذری فولکلور صحیفه‌لری» به چاپ رسانده است (به نقل از صرافی، ۱۳۹۵: ۴-۵). علی کمالی نیز نمونه‌هایی از اشعار بومی استان مرکزی جمع‌آوری کرده و در مجلات «آذری فولکلور صحیفه‌لری» «فولکلور پارچالاری» به چاپ رسانده، اما بیشتر اشعار جمع‌آوری‌شده به وسیله کمالی، اشعار شاعران مشخص و صاحب‌نام‌اند نه اشعار عامه (نک. کمالی، ۱۳۶۲: ۷۶-۸۷) بنابراین تقریباً می‌توان اذعان کرد که درباره بایاتی‌های شهرستان زرننده، پژوهش علمی و مدونی صورت نگرفته و این پژوهش به دلیل همین خلأ پدید آمده است.

### ۳-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

چنانکه گفته شد بیشترین بایاتی در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی به ثبت رسیده و خوشبختانه پژوهش‌های خوبی هم درباره آن‌ها صورت گرفته است، در حالی که درباره بایاتی‌های سایر مناطق ترک‌زبان، از جمله شهرستان زرننده در استان مرکزی، به عنوان سکونتگاه برخی از ایل‌های ترک‌زبان،

از جمله ایل شاهسون بغدادی، پژوهش مهمی صورت نگرفته است و حتی برخی از این بایاتی‌ها، جمع‌آوری نشده و این نگرانی وجود دارد که با فوت راویان و حافظان آن‌ها، بخشی از آن‌ها از بین برود. بنابراین نگارندگان با توجه به این ضرورت، پژوهش پیش رو را انجام داده‌اند و در ضمن آن موفق شده‌اند بیش از یکصد بایاتی از بایاتی‌های روستاهای حکیم‌آباد، قاسم‌آباد و صدرآباد شهرستان زرنديه را جمع‌آوری کنند و آن گاه نوع غنایی آن‌ها را بر اساس محتوا و ساختار بررسی نمایند. نتیجه این تحقیق می‌تواند مطالعات صورت‌گرفته درباره این نوع از اشعار عامه را تکمیل کند و زمینه‌ای برای پرداختن به بایاتی‌های سایر مناطق ترک‌زبان را فراهم نماید و برای جمع‌آوری، ضبط و توصیف و تحلیل بایاتی‌های سایر مناطق ترک‌زبان به عنوان نمونه‌ای تلقی شود.

#### ۴-۱. روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات در این مقاله، میدانی و روش تحقیق، تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی-تحلیلی است. جامعه هدف یا محل دریافت اطلاعات، روستاهای حکیم‌آباد، قاسم‌آباد و صدرآباد، از توابع شهرستان زرنديه (استان مرکزی) است. با این توضیح که شهرستان زرنديه در شمال شرقی استان مرکزی قرار دارد و از شمال به شهرستان شهریار، از مشرق به شهرستان رباط‌کریم، از مغرب به شهرستان رزن و از جنوب به شهرستان ساوه محدود است (نک. صدیقان، ۱۳۸۹: ۲۵). گسترش شهرستان زرنديه در جهت غربی- شرقی شمال استان مرکزی است. زرنديه از شمال و شمال‌شرق به استان تهران، از شمال‌غرب به استان البرز و قزوین، از شرق به استان قم و از جنوب به شهرستان ساوه محدود می‌شود. از نظر تقسیمات کشوری، این شهرستان از دو بخش مرکزی و خرقان؛ شش دهستان رودشور، حکیم‌آباد، خشک‌رود، خرقان، علیشارود و زج؛ پنج شهر رازقان، پرندهک، خشک‌رود، زاویه، مأمونیه و ۲۱۳ آبادی تشکیل شده است. از مجموع ۲۱۳ آبادی این شهرستان، ۱۳۰ آبادی دارای سکنه و ۸۳ آبادی خالی از سکنه است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰: ۲۷) بیشتر مردم شهرستان زرنديه را ترک‌زبانان تشکیل می‌دهند. زبان ترکی رایج در شهرستان زرنديه و ساوه شاخه‌ای از زبان ترکی رایج در آذربایجان است؛ البته این زبان، نسبت به زبان ترکی آذری ساده‌تر است. مردم مأمونیه به زبان فارسی و با لهجه‌های مأمونیه‌ای، زرندي و امیرآبادی حرف می‌زنند. زبان مردم برخی روستاها، مانند الویر و ویدر، تاتی است و در وسمق، برخی به زبان زرگری سخن می‌گویند.

پژوهشگران با حضور میدانی در منطقه و شناسایی و افراد مطلع، اطلاعات مورد نیاز را جمع‌آوری کرده‌اند. اسماعیل انوری از روستای قاسم‌آباد؛ اصغر انوری، صغری‌خاتون بیداد و ماهی‌زر خدادادی از روستای حکیم‌آباد و ابراهیم گل‌سرخی از روستای صدرآباد از مصاحبه‌شوندگان بوده‌اند. اطلاعات موردنیاز، مستقیماً از این افراد شنیده، ضبط و آوانگاری شده است. در تحلیل محتوایی و ساختاری

اشعار، از شیوه‌های مرسوم سبک‌شناسی شعر استفاده شده و البته در همه موارد، ملاحظات سبک‌شناختی مربوط به شعر عامه مدنظر بوده است.

## ۲. بحث اصلی

### ۱-۲. بایاتی

بایاتی، گونه‌ای از اشعار تغزلی عامه ترکی است. اغلب بایاتی‌ها چهارمصرعی یا دوییتی‌اند و به ندرت شش مصرع دارند. مصرع‌های اول، دوم و چهارم هم‌قافیه‌اند و قافیه مصرع سوم، آزاد است. معمولاً مضمون اصلی در مصرع‌های سوم و چهارم بیان می‌شود و مصرع‌های اول و دوم بیشتر کارکرد توصیفی دارند (نک. روشن، ۱۳۵۳: ۶۳؛ سفیدگر شهنقی، ۱۳۸۱: ۳۳). تاریخ آغاز این اشعار و اولین سراینده آن‌ها معلوم نیست، اما برخی از محققان، غلبه این نوع شعر در این مناطق را نشان ماندگاری سنت‌های شعری ایران باستان می‌دانند (نک. ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۳۲۱).

درباره وجه تسمیه بایاتی اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را مأخوذ از «بیات» یا «بایات» می‌دانند؛ یعنی برگرفته از نام قبایل «بایات» که در سده‌های گذشته به آذربایجان کوچ کرده و در آنجا ساکن شده‌اند؛ قومی که از زبان، فرهنگ، ادب عامه و موسیقی قوی‌ای برخوردارند و نام دستگاه‌هایی از موسیقی، همچون «بیات ترک» به ایشان منسوب است. (نک. سفیدگر شهنقی، ۱۳۸۱: ۳۲؛ سومینا، ۱۳۸۷: ۲۱) برخی هم بایاتی را صورت تحریف‌شده «بیت» یا «ابیات» می‌دانند (نک. روشن، ۱۳۵۳: ۶۳؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۳۲۱).

نمونه‌های اولیه بایاتی‌ها را عاشیق‌ها به نظم درآورده‌اند. عاشیق‌ها نوازندگان دوره‌گرد ترک و آذری‌اند که ساز خود را در آغوش می‌گیرند و در مجالس و محافل گوناگون، بازارها، قهوه‌خانه‌ها و گذرگاه‌ها، بایاتی می‌خوانند و مردم مشتاق نیز به دور آن‌ها حلقه می‌زنند. عاشیق‌ها هنگام خواندن بایاتی‌ها بیشتر از کلمات «من عاشق»، «عزیزم»، «آی امان»، «آبالام» و مانند آن استفاده می‌کنند.

چنانکه گفته شد این نوع شعر، گونه غالب و رایج شعر عامه در بیشتر مناطق ترک‌زبان است. در روستاهای شهرستان زرننده استان مرکزی نیز این نوع شعر رواج خوبی داشته و اکنون نیز نمونه‌های خوبی از آن موجود است. در طی بررسی میدانی نگارندگان این پژوهش، از روستاهای حکیم‌آباد، قاسم‌آباد و صدرآباد شهرستان زرننده، حدود یکصد بایاتی به دست آمد. از این تعداد، بیشترین بسامد را بایاتی‌های غنایی دارند. بایاتی‌های غنایی روستاهای یادشده اغلب ویژگی‌های ساختاری بایاتی‌ها را دارند، اما برای روشن‌شدن ابعاد محتوایی و ساختاری آن‌ها، در این بخش، آن‌ها را از دو منظر محتوا و ساختار بررسی می‌کنیم.

## ۱-۲. بررسی محتوایی بایاتی غنایی روستاهای حکیم‌آباد، قاسم‌آباد و صدرآباد شهرستان زرنده

یکی از ویژگی‌های مهم بایاتی‌ها، تنوع مضمون است. بایاتی‌ها از مضامین متنوعی برخوردارند و به همین دلیل می‌توان آن‌ها را بر اساس مضمون و درون‌مایه به انواع عاشقانه، اجتماعی، دینی و غیره تقسیم کرد. با این توضیح که گونه غنایی بایاتی، فراوان‌ترین گونه است.

در جمع‌آوری و بررسی بایاتی‌های روستاهای یادشده نیز مشخص شد که نوع غنایی بیشترین بسامد را دارد. این نوع بایاتی، گزارشگر عواطف و احساسات شخصی گویندگان است. این نوع بایاتی، آیینۀ آلام، لذات، تأثرات روحی و دوست‌داشتن‌هاست. گویندگان در این بایاتی‌ها، عمدتاً از احساسات شخصی خود؛ به‌ویژه احساسات مربوط به عشق و عاشقی سخن می‌گویند و به همین دلیل، نوع عاشقانه بایاتی، تأثیرگذارترین و فراوان‌ترین نوع آن است. بایاتی‌های عاشقانه، آیینۀ عاشقی‌های مردمان ترک‌زبان‌اند؛ آن‌هایی که با تحمل سختی‌های عشق، باز هم ستایشگر عشق بوده‌اند. مضامین و بن‌مایه‌های بایاتی‌های غنایی روستاهای ذکرشده، عمدتاً پیرامون عواطف و احساسات عاشقانه است، اما برای روشن‌ترشدن موضوع می‌توان مضامین آن‌ها را در موارد زیر قرار داد:

### الف) عشق

عشق، اصلی‌ترین درون‌مایۀ بایاتی‌هاست؛ قالب بایاتی، آن هم بایاتی غنایی، به نوعی با عشق گره خورده است. عشقی که در این بایاتی‌ها موج می‌زند، عشقی پاک، قابل لمس و توأم با احساسات لطیف انسانی است؛ عشقی محسوس است از نوع خواستن و دوست‌داشتن تمام عیارِ پسری، دختری را و یا دختری، پسری را. عاشق در این نوع عشق، صمیمانه و از ژرفای جان، معشوق را دوست می‌دارد؛ او را تا دم مرگ یاد می‌کند و معتقد است اگر داغ عشق از دنیا برود، شهید است. نمونه‌ای از این عشق را در سه بایاتی زیر (۱، ۲ و ۳) می‌توان دید. عاشق می‌خواهد که پنجره را بگشایند تا کسانی را که می‌آیند، ببیند؛ آهی از دل برمی‌کشد و می‌گوید: چگونه می‌خواهند مرا که از غم یار مرده‌ام، در قبر بگذارند؟ آه من دامن پدر معشوق را خواهد گرفت. پدر معشوق همچون باغبانی بود که معشوق را همچون میوه‌ای به امید گران‌ترشدن در خانه نگه داشت. او معتقد است عاشقی که با نجابت و حیا عشق می‌ورزد و با این عشق از دنیا می‌رود، شهید است:

(۱) آچوخ قوی پَنجَرَه‌نی

گُوزوم گُورسون گلنی

قَبَر نَجَه قُویارلار

یار دَر دین تَن اولنی

âçux qoy panjarani/ gu?zum gu?rsun galani/ qabra neja qoyârlâr/ yâr dardinnan olani

برگردان: پنجره را باز بگذار تا چشمانم کسانی را که می‌آیند ببیند. چگونه در قبر می‌گذارند کسی را که از غم یار مرده است؟

(۲) آهَم دَدین توتار

سَنَه مَنَه وِرَمَدَه

ساخلادی باها ساتا

باغونی میوه سینین

âhom dadin tutâr/ sana mana vermade// sâxlâdi bâha sâtâ/ bâçuni miva sinin

برگردان: آه من پدرت را خواهد گرفت، چون تو را به من نداد. میوه باغش را نگه داشت تا گران بفروشد.

(۳) آی آیدونلوخ آلدور

آی باتماز نه بلادور

اوغلان قیزین عشقیئن

شَهِید پُرِ بِلادور

ây âydunlux âlâdur/ ây bâtmâz na balâdur// oylân qizin eşqinan/ şahide por balâdur

برگردان: ماه درآمد و همه‌جا را روشن کرد. روشنایی تمام نمی‌شود! این چه بلایی است؟ پسر از عشق دختر، شهیدی است که بلای زیادی کشیده است. (راوی: اسماعیل انوری)<sup>(۱)</sup>

## ب) توصیف زیبایی‌های معشوق با آرزوی وصال

توصیف زیبایی‌های معشوق، یکی دیگر از مضامین بایاتی‌های عاشقانه این منطقه را تشکیل می‌دهد. در این بایاتی‌ها، گویندگان با زبانی ساده و روان، لطیف و صمیمی، معشوق و زیبایی‌های او را می‌ستایند. توصیف حالات عشق و زیبایی‌های معشوق در این بایاتی‌ها، بسیار مهم است. گوینده با کمک قوه خیال، معشوق را به زیبایی توصیف می‌کند. در بایاتی‌های شماره ۴ و ۵، سراینده، روسری معشوق را در هنگام بازشدن به فروشنده‌ای مانند می‌کند که باغچه‌ای را می‌دهد و باغی بزرگ را می‌خرد؛ معتقد است اگر به وصال یار برسد، تمام زخم‌هایش بهبود می‌یابد. خود را قربانی طره یار می‌داند و به گل روسری یار قسم می‌خورد و به زیبایی آرزو می‌کند که سرنوشتش طوری رقم بخورد که او بتواند دستانش را بر کمر یار قفل کند:



(۴) آق چَرَقَتین آقارور

باغچا وریر باغ آلور

سنی من ورسَلر

هامی یارام ساغالور

âq çarqatin âqârur/ bâÿçâ verir bâq âlur // sani mana versalar/ hâmi yârâm sâyâlur

برگردان: روسری سفیدت باز شده است. باغچه را می‌دهد و باغ را می‌خرد. اگر تو را به من بدهند، همه جایم (زخم‌هایم) سالم می‌شود.

(۵) آق چَرَقَتین گولوتَه

قوربان یارون تلیتَه

قیسمت اولاً اوزوم

قوفلک سالام پلیتَه

âq çarqatin guluna/ qurbân yarun telina// qismat olâ ozum/ quflak sâlâm belina

برگردان: قسم به گلی که بر روی روسری سفیدت است و به قربان موهای طره پیشانی یار. اگر قسمت شود خودم دستانم را مانند قفل به دور کمرش می‌بندم (راوی: صغری خاتون بیداد)<sup>(۲)</sup>

در بایاتی‌های شماره ۶ و ۷ نیز توصیف زیبایی معشوق مطرح است. در بسیاری از بایاتی‌ها، به ویژه بایاتی‌های غنایی، مصراع اول یا مصراع‌های اول و دوم و گاه اول تا سوم، نقش توصیف و زمینه‌سازی را بر عهده دارند. در بایاتی شماره «۶» نیز گوینده با توصیف طبیعت و گوسفندانی که در بالای کوهی می‌چرند و پشم‌های آن‌ها با حنا رنگ شده، معشوق را که از قضا دخترعمویش است، از همه چیز زیباتر می‌بیند و از صمیم قلب، وصال او را آرزو می‌کند:

(۶) اوجا داغ باشون دا

بیر سوری قوزی

هامی سی قَشَنگِدِه

أز عمیم قیزی

ujâ dâÿ bâşun dâ/ bir suri quzi// hâmisi qaşangde/ oz amim qizi

برگردان: در بالای یک کوه بلند، یک عالمه گوسفند است. همه‌اشان قشنگ‌اند، اما دخترعموی خودم از همه زیباتر است.

(۷) داغلار او جاسی

یار او جدر (بالا جاسی)

گیردیم یار

قویوندا پاییز گجسی

dâylâr ?ujâsi/ yâr ?ujader// girdim yâr/ qoyundâ pâyiz gejası

برگردان: کوه‌ها بلند هستند. یار کوتاه (کوتاه قد) است. (ای کاش) در یک شب پاییزی می‌رفتم در بغل یار. (راوی: صغری‌خاتون بیداد)<sup>(۳)</sup>

در بایاتی‌های ۸ و ۹ نیز، توصیف زیبایی‌های معشوق (ناری / بیخو) مطرح است. گوینده در مصراع‌های اول دو بایاتی، با اشاره به چریدن اسبان در سبزه‌زارها، از گردش معشوق خود در باغچه یاد می‌کند. این گونه از بایاتی‌ها را باید بایاتی‌های توصیفی نامید؛ بایاتی‌هایی که بسیار ساده و ملموس از معشوق سخن می‌گویند و در آن‌ها از تصویرسازی نیز چندان خبری نیست:

(۸) آق آت بیچینده گدر

ناری قیچینده گدر

من قوربان او یارا

باغچا ایچینده گدر

âq ât biçinda gazar/nâri qiçinda gazar// man qurbân o[w] yârâ/ baqçâ içinda gaza

برگردان: اسب سپید در سبزه‌زار می‌گردد. ناری (معشوق) با پاهای خود می‌گردد. من به قربان آن یاری که درون باغچه می‌گردد.

(۹) آق آت بیچینده گدر

بیخو قیچینده گدر

منیم عزیز قارداشیم

خانلار ایچینده گدر

âq ât biçinda gazar/ beyxo qiçinda gazar// manim aziz qârdâşim/ xânlâr içinda gazar

برگردان: اسب سپید در سبزه‌زار می‌گردد. بیخو (معشوق) با پاهای خود می‌گردد. برادر عزیز من، در میان خان‌ها می‌گردد؛ در پیش خان‌ها کار می‌کند یا با خان‌ها و بزرگان سر و کار دارد. (راوی: ماهی‌زر

در بایاتی شماره «۱۰» نیز سراینده با حس و حالی نوستالژیک، روزگاری را به یاد می‌آورد که برای اولین بار معشوق را در کودکی دیده است؛ فصل بهار بوده و صحن سرای پر از غاز و اردک؛ معشوق، دختر بچه‌ای کوچک و نازدار بوده و اکنون خانمی شده و به تعبیر او، خانم خانم‌هاست. چنین بن‌مایه‌ای اکنون نیز وجود دارد. معمولاً مردم، با توجه به رشد سریع دختران در پایان دوره دبستان، وقتی دختر بچه‌ها را بعد از چند سال می‌بینند، چنین جملاتی را بر زبان می‌آورند. سراینده نیز احتمالاً چنین صحنه‌ای را دیده است:

(۱۰) مَن گَلَنَدَ باهارودی یادودور

چُولَر دُلُی اَرْدکیده غازودور

اینده اَلوب خانوم لاروی خانومی

مَن گَرَنَدَ بَیر بالاج نازودور

man galanda bâhârudi yâdudur/çollar doli ordakide yâzudur// inde olub xânum lâroy xânumi/ man goranda bir bâlâja nâzudur

برگردان: هنگامی که من آمدم (و او را دیدم) بهار بود، یادش به خیر! بیرون پر از غاز و اردک بود. حالا شده خانم خانم‌ها، اما وقتی من او را دیدم یک دختر کوچک و نازولی بود. (راوی: ابراهیم گل‌سرخ‌ی)<sup>(۴)</sup>

ج) دل‌تنگی معشوق برای عاشق

چنانکه اشاره شد در بسیاری از بایاتی‌های عاشقانه این منطقه، با عشقی دوطرفه روبه‌رو هستیم. همان قدر که عاشق، معشوق را دوست دارد، معشوق نیز عاشق را دوست دارد؛ دوری او را نمی‌تواند تحمل کند؛ بر پشت‌بام‌ها می‌رود و تا دوردست‌ها را نگاه می‌کند تا ببیند یارش از سفر برمی‌گردد یا نه. او به این امید، همانند بسیاری از زنان و دختران قدیم، راه‌پله و حیاط را آب و جارو می‌کند تا وقتی یارش به منزل می‌رسد، همه جا تمیز و مرتب باشد. این مضمون، مضمونی ساده و لطیف است و همین سادگی و لطافت آن را دلپسند کرده است:

(۱۱) چیخَرَم دَام لَارَا مَن

باخارام یولَارَا مَن

سو سَپَم جَارو چَکَم

سَن گَلَن یولَارَا مَن

çixaram dâm lâra man/ bâxârâm yollârâ man// su sapam jâru çakam/ san galan yollârâ man

برگردان: بر بالای پشت‌بام‌ها می‌روم و راه‌ها را نگاه می‌کنم. تا آب بیاشم و جارو کنم وقتی که تو از راه می‌آیی. (روای: ماهی‌زر خدادادی)<sup>(۳)</sup>

در بایاتی شماره «۱۲» نیز اظهار عشق از جانب معشوق است. معشوق به شیوه بسیاری از زنان، زیبایی‌ها و شلوغی‌های شهر تهران را می‌ستاید و صمیمانه اذعان می‌کند که رفتن به تهران، بدون یار صفایی ندارد. بدون یار، بازارگردی تهران لذتی ندارد. سپس می‌گوید چه زیباست وقتی که یارت از تهران بیاید؛ آن هم با قدی بلند و سیبل‌هایی مردانه. چنین مضمونی، جزو مضامین رایج شعر عامه است. عامه، زن و مرد، همدیگر را صمیمانه دوست دارند و گشت و گذار را بدون یکدیگر لذت‌بخش نمی‌دانند:

(۱۲) تهران، تهران سیز اولماز

تهران بازار سیز اولماز

تهران گلتن یارم

سیبیل سیز قد سیز اولماز

tehrân tehrân siz olmâz/ tehrân bâzâr siz olmâz// tehrân galanan yârom/ sibil siz qad  
siz olmâz

برگردان: یارم که از تهران می‌آید بدون سیبل و قد نمی‌شود. تهران، تهران بدون تو تهران نمی‌شود. بازار تهران بدون تو نمی‌شود. (روای: صغری خاتون بیداد)<sup>(۴)</sup>

#### د) عفت و پاک‌دامنی

یکی از مضامین بایاتی‌های غنایی، درخواست عاشق از معشوق برای مصاحبت است. چنین مضمونی در بسیاری از بایاتی‌های عاشقانه دیده می‌شود و بیشتر مربوط است به بی‌پروایی و بی‌محافظه‌کاری شعر عامه (نک. ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۱۷). در چنین بایاتی‌هایی، پاسخ‌های معشوق نیز شبیه پاسخ‌های دختران محجوب و نجیبی است که عشق را با پاکی و صفا می‌خواهند. عفت، پاک‌دامنی، نجابت، شرم و حیا در بایاتی‌های غنایی روستاهای ذکرشده، متأثر از نجابت و پاکی سرایندگان آن‌ها، یکی از عوامل پذیرش همگانی این نوع ادبی عامه است. در بایاتی‌های «۱۳» و «۱۴» چنین مضمونی آشکار است:

(۱۳) دورما قابی دالوندا

گوزیم قالدی خالوندا

ایجاز و رگلیم قالوم یانوندا

. . . .

durmâ qâpi dâlundâ/ gu?zim qâldi xâlundâ// ijâza ver galim qâlum yânundâ/... .

برگردان: پشت در نیست. چشمم به دنبال خالت ماند. اجازه بده تا به پیش تو بیایم . . . .

(۱۴) قی میرم اوغلان!

قُر خورام دَدَمَن

قُی میرم اغولان

قُر خورام نَتَمَن

qoy miram oqlân/ qor xurâm dadamnan// qoy miram oylân/ qor xurâm nanamnan

برگردان: اجازه نمی‌دهم پسر! از پدرم می‌ترسم. اجازه نمی‌دهم پسر! از مادرم می‌ترسم. (راوی: اسماعیل

انوری)<sup>(۱)</sup>

چنین مضمونی در بایاتی‌های «۱۵» و «۱۶» با برخی از بی‌روایی‌های عاشقانه دیده می‌شود:

معشوق می‌خواهد دل به دریا بسپارد و به دیدار عاشق برود:

(۱۵) دورما قایی دالیندا

گوزوم قالدی خالیندا

گَدَم آناما دییم

گلیم قانیم یانیندا

durmâ qâpi dâlındâ/ gu?zum qâldi xâlındâ// gedam ânâmâ diyam/ galim qânim yânındâ

برگردان: [ای دختر] پشت در نیست، چشمم به دنبال خالت ماند. بروم و به مادرم بگویم و بیایم پیش تو بمانم.

(۱۶) گل بو دامدا یاتک

بودام سَرینده

قینانام گَلنجَه

خودام کریمده

gal bu dâmdâ yâtak/ budâm sarinde// qeynânâm galanja/ xudâm karimde

برگردان: بیا بر این پشت‌بام بخوایم، این بام خنک است. تا هنگامی که مادرزنم بیاید، خداوند کریم است.

در بایاتی شماره «۱۷» این مضمون به گونه‌ای تمثیلی بیان شده است؛ گوینده به شیوه‌ای تمثیلی، پخته‌بودن و رسیدگی را می‌پسندد، اما می‌داند که میوه رسیده اگر بر درخت بماند، می‌گندد. شاید منظورش این باشد که اگر دختر به سن ازدواج برسد و ازدواج نکند، زندگی او تباه می‌شود. ازدواج سبب خوش حالی و شکفتگی جوانان می‌شود:

(۱۷) آلمآ آقاجدا بِشْ أَلُور

پِزه دوشَرْ أُونْ بِشْ أَلُور

اوغلان اُپَر قیز خوش أَلُور

... .

âlmâ âqâjdâ beš olur/ uera dušar on beš olur// oylân opar qiz xoš olur/... .

برگردان: سبب‌ها هنگامی که بر روی شاخه قرار دارند پنج تا هستند، اما وقتی که بر زمین می‌افتند پانزده تا می‌شوند. (تکه‌تکه می‌شوند به دلیل پختگی و رسیدن) هنگامی که پسر دختر را در آغوش می‌گیرد، دختر خوشحال می‌شود. (راوی: اصغر انوری)<sup>(۵)</sup>

#### ه) دل‌نگرانی‌های دختران

بایاتی‌های غنایی این روستاهای علاوه بر آنکه مظهر عشق، آرزو، امید و شادی‌اند، دفتر ناگشوده‌ی آداب و رسوم، خلق و خو، نگرانی‌ها و ناراحتی‌های آن‌ها هم هستند. در برخی از بایاتی‌های عاشقانه، دل‌نگرانی‌های خانواده‌های روستایی، مضمون پنهانی است که با اندکی دقت و تأمل دریافت می‌شود. دو بایاتی «۱۸» و «۱۹» زبان حال دختری هستند که پدر و مادرش به او اجازه نمی‌دهند ازدواج کند و او از ماندن در خانه و اینکه شاید دیگر خواستگاری برای او پیدا نشود، نگران است. بر همین اساس با تمثیلی زیبا که نه می‌توانم دف را بنوازم و نه می‌توانم آن را از دست بیندازم، این شکوه و ناراحتی را بیان می‌کند:

(۱۸) دایرنی چالا بیلِم

آلیمنن ساللا بیلِم

هامی قیز آرگده

من اوده قالا بیلِم

dâyranî çâlâ bilmam /alimnan sâlâ bilmam// hâmi qiz aragedde/ man evda qâlâ  
bilmam

برگردان: دایره (دف) را نمی‌توانم بنوازم، نمی‌توانم آن را از دست ببندازم. همه دختران می‌روند (شوهر می‌کنند) من نمی‌توانم در خانه بمانم.

(۱۹) آتوم یلانده

یولار باقلانده

آنا! قوی گدیم

خوشگل اوغلانده

âtum uollânde/ uollâr bâqlânde// âna qoy gedim/ xoşgel oylânde

برگردان: اسبم به راه افتاد؛ راه‌ها بسته شد. مادر! بگذار بروم (شوهر کنم)، پسر خوشگلی است. (راوی: اصغر انوری)<sup>(۵)</sup>

غم‌انگیزی این مضمون وقتی آشکار می‌شود که بدانیم یکی از دل‌مشغولی‌های خانواده‌های دختردار، ازدواج دختران است. پدران و مادران از یک طرف نمی‌توانند دختر را در خانه نگه دارند و از طرف دیگر، راضی نمی‌شوند دختری را که با ناز و نوازش بزرگ کرده‌اند، به هر کسی بدهند. این موضوع وقتی نگران‌کننده می‌شود که دختری چندین خواستگار را رد کرده و چندین سال در خانه مانده است و دیگر مجبور است دل به دریا بزند و با یکی ازدواج کند.

بنابراین تنوع و رنگارنگی مضامین عاشقانه از جنبه‌های برجسته و مهم بایاتی‌های غنایی روستاهای زرتدیّه است. عشقی که در این بایاتی‌ها مطرح است، عشقی ملموس، پاک و جان‌دار است؛ خواستنی عاشقانه و جانانه است؛ عاشق از صمیم قلب، معشوق را دوست دارد؛ زیبایی‌های او را می‌بیند و به خوبی توصیف می‌کند؛ از او وصال و هم‌نشینی را می‌طلبد. همواره شرم و نجابت را در نظر دارد؛ گستاخی‌های او را باید به حساب بی‌پروایی‌های شعر عامّه گذاشت. در ضمن این توصیف‌گری‌های عاشقانه، از رنج‌ها و دل‌نگرانی‌های مردم نیز نباید غافل شد. دختران دم‌بختی که شوهرکردن برای آن‌ها دل‌مشغولی است و حیا و شرم ایشان در این بایاتی‌ها آشکار است.

بررسی محتوایی بایاتی‌های غنایی روستاهای یادشده نشان می‌دهد که صفا و صمیمیت، عشق و دوست‌داشتن، گوهرهای گران‌بهایی هستند که سرایندگان این بایاتی‌ها از آن برخوردار بوده‌اند و با این این دو موهبت الهی، دنیا را عاشقانه و مصفا می‌دیدند و می‌خواستند. این بایاتی‌ها، نغمات نغز و لطیفی هستند که از اعماق زندگی و جان مردمی پاک و ساده‌دل مایه می‌گیرند و لاجرم بر دل می‌نشینند. بیهوده نیست که وقتی زنان و مردان روستایی برخی از این بایاتی‌ها را می‌شنوند، اشک می‌ریزند.

۲-۱-۲. بررسی ساختاری بایاتی غنایی روستاهای حکیم‌آباد، قاسم‌آباد و صدرآباد شهرستان

زرندیّه

۱-۲-۱-۲. قالب و قافیه

بایاتی‌های غنایی روستاهای حکیم‌آباد، قاسم‌آباد و صدرآباد شهرستان زرندیّه از نظر شکل و قالب، چهارمصرعی‌اند. مصرع‌های اول، دوم و چهارم هم‌قافیه‌اند و قافیه مصرع سوم آزاد است و از این نظر کاملاً شبیه دویته‌های فارسی هستند. در ۱۹ بایاتی غنایی بررسی شده، آرایش قافیه در ۱۴ بایاتی (بایاتی ۱، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸ و ۱۹) این گونه است. در بایاتی شماره «۲» طبق نقل راوی، قافیه نظم مشخصی ندارد.

(۲) آهْم دَدَیِّین توتار

سَنَه مَنَه وِرْمَدَه

ساخلادی باها ساتا

باغونی میوه سینین

در بایاتی‌های «۶» و «۱۶» مصرع‌های دوم و چهارم قافیه دارند:

(۶) اوجا داغ باشون دا

بیر سوری قوزی

هامی سی قَشَنگِدِه

اَز عَمِیم قیزی

(۱۶) گَل بو دامدا یاتک

بودام سرینده

قینانام گلنجه

خودام کریمده

و در بایاتی «۱۴» مصرع‌های اول و سوم و مصرع‌های دوم و چهارم هم‌قافیه‌اند:

(۱۴) قُی میرم اوغلان!

قُر خورام دَدَمَن

قُی میرم اغولان



### قُر خورام نَمَنَن

بنابراین قافیه در اغلب بایاتی‌های غنایی روستاهای ذکرشده، همانند دوبیتی است اما در برخی از بایاتی‌ها، این موضوع رعایت نمی‌شود. وانگهی در این بایاتی‌ها بیشتر به جنبه آوایی و موسیقایی کلمات قافیه توجه شده است و کلمات قافیه از نظر حروف و حرکات قافیه اشکالاتی دارند. البته این موضوع در بسیاری از اشعار عامه دیده می‌شود؛ زیرا سراینندگان این ترانه‌ها، عموماً مردم عادی و گاه بی‌سوادند که چندان با اصول و قواعد شعر آشنا نیستند.

### ۲-۲-۱-۲. وزن و آهنگ

اغلب پژوهشگران ادب عامه اذعان داشته‌اند که وزن بایاتی‌ها هجایی است (نک. ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۳۲۱؛ سومینا، ۱۳۸۷: ۲۱) و هر مصراع از هفت هجا تشکیل شده است. بررسی بایاتی‌های غنایی روستاهای ذکرشده نشان می‌دهد که وزن در بایاتی‌های شماره (۱)، (۲)، (۳)، (۴)، (۹)، (۱۱)، (۱۲)، (۱۵) و (۱۸) دقیقاً هجایی است و در هر مصراع، هفت هجا وجود دارد، چنانکه در بایاتی زیر دیده می‌شود:

(۱۸) دایرنی چالا بیلَم

آلیمنن سالا بیلَم

هامی قیز آزگده

من اوده قالا بیلَم

البته در دو بایاتی (۵) و (۸) نیز فقط مصراع سوم، شش‌هجایی است. در بایاتی (۱۳) هم مصراع‌های اول و دوم، هفت‌هجایی‌اند و مصراع سوم، یازده‌هجایی است. بنابراین تقریباً در ۱۲ بایاتی از ۱۹ بایاتی غنایی مطرح در این مقاله، وزن هجایی (هفت هجا در هر مصراع) رعایت شده است. وضعیت وزن در سایر بایاتی‌ها به این ترتیب است: در بایاتی شماره (۱۹) هر چهار مصراع، پنج‌هجایی‌اند. در بایاتی (۱۴) مصراع‌های اول و سوم، پنج‌هجایی‌اند و مصراع‌های دوم و چهارم، شش‌هجایی. در بایاتی‌های (۶) و (۱۶) مصراع‌های اول و سوم، شش‌هجایی‌اند و مصراع‌های دوم و چهارم، پنج‌هجایی. در بایاتی (۱۷) هر چهار مصراع، هشت‌هجایی‌اند. در بایاتی شماره (۱۰) هر چهار مصراع، یازده‌هجایی‌اند. بایاتی شماره (۷) هم نظم هجایی مشخصی ندارد. بنابراین می‌توان گفت در برخی از بایاتی‌ها، کمیّت هجاها که بنیان شعر هجایی بر آن استوار است، رعایت نمی‌شود. (محمدزاده و شیرمحمدی، ۱۳۸۸: ۵۶-۵۷) در این موارد معمولاً با کش‌دارکردن برخی از کلمات، آهنگ را حفظ می‌کنند. وانگهی می‌توان این اشکال را با «درنگ» و «مکث» توجیه کرد؛ چون در وزن هجایی اشعار

ترکی، درنگ‌ها نیز مهم‌اند. باباپور برای پدیده مکث و ایست در شعر ترکی، از واژه «دوراق» (durâq): ایستادن) استفاده کرده و معتقد است تعیین دوراق‌ها در تقطیع هجایی این نوع شعر اهمیت زیادی دارد (نک. باباپور، ۱۳۷۱: ۵۳). هیئت نیز معتقد است در وزن هجایی شعر ترکی، یک مکث و ایست موجد آهنگ است (نک. هینت، ۱۳۷۴: ۱۶۴) ضیامجیدی و طیب‌زاده نیز معتقدند: «در شعر ترکی آذری نوعی وزن وجود دارد که اگر چه تکیه نیز در آن نقش دارد، ولی وزن، هجایی است. در این نوع شعر، تساوی هجاهای هر مصراع و همچنین محل تکیه، وزن را ایجاد می‌کند. در شعر هجایی هر مصراع دارای تکیه یا تکیه‌های وزنی ثابت و نیز تکیه‌های ثانوی است» (ضیامجیدی و طیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۶۴). سومینا نیز معتقد است: «(بایاتی‌ها از نظر وزن همیشه هفت هجایی‌اند، ولی از لحاظ وجود تقطیع در مصراع‌ها یکسان نیستند، اما این موضوع، سکنه‌ای بر روانی آن‌ها وارد نمی‌کند» (سومینا، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۲).

### ۳-۲-۱-۲. نحوه بیان مضمون

یکی از ویژگی‌های ساختاری بایاتی‌ها که بسیاری از پژوهشگران شعر عامه بر آن تأکید کرده‌اند این است که در این اشعار، مضمون اصلی در مصراع‌های سوم و چهارم بیان می‌شود و مصراع‌های اول و دوم در حکم مقدمه‌ای هستند که زمینه را برای بیان مطلب اصلی فراهم می‌کنند. (نک. سومینا، ۱۳۸۷: ۲۱؛ روشن، ۱۳۵۳: ۶۳) نمازوف با تأیید این موضوع، مصراع اول را «املا»، مصراع دوم را «انشاء»، مصراع سوم را که گاهی مضمون اصلی در آن نهفته است، «معلوم» و مصراع چهارم را «مخرج» نامیده است. (Namâzov, 1986: 40-41)

بایاتی‌های غنایی روستاهای شهرستان زرنده هم از این منظر قابل بررسی‌اند. در بایاتی «۱) چنین ساختاری قابل مشاهده است. گوینده می‌خواهد که «پنجره را بگشایند تا کسانی را که می‌آیند، ببیند»؛ تا اینجا هنوز مشخص نیست که مضمون اصلی بایاتی چیست، اما وقتی می‌گوید: «چگونه می‌خواهند مرا که از غم یار مرده‌ام، در قبر بگذارند؟» معلوم می‌شود که مضمون اصلی، عشق و کشته شدن در راه معشوق است.

(۱) آچوخ قوی پنجره‌نی

گوزوم گورسون گلنی

قبر نجه قویارلار

یار دردین ن اولنی

این ساختار در بایاتی شماره «۶» هم دیده می‌شود، با این تفاوت که در این بایاتی، سه مصراع اول در حکم مقدمه هستند و حرف اصلی، در مصراع چهارم زده شده است. گوینده می‌گوید: «در بالای یک کوه بلند، یک عالمه گوسفند است. همه‌شان قشنگ‌اند.» تا اینجا هنوز مضمون اصلی بیان نشده

است، اما وقتی گفته می‌شود: «اما دخترعموی خودم از همه زیباتر است.» متوجه می‌شویم که بایاتی چه می‌خواهد بگوید:

(۶) او جا داغ باشون دا

بیر سوری قوزی

هامی سی قَسَنگِده

أز عَمیم قیزی

این ساختار را در بایاتی‌های شماره‌های «۱»، «۳»، «۴»، «۵»، «۶»، «۷»، «۱۰»، «۱۱»، «۱۷»، «۱۸» و «۱۹» نیز می‌توان دید.

البته در برخی از بایاتی‌های غنایی، این ساختار رعایت نمی‌شود و از همان آغاز می‌توان به مضمون اصلی پی برد، چنانکه در بایاتی‌های شماره «۲» و «۱۲» دیده می‌شود.

### ۳. نتیجه‌گیری

بایاتی‌ها گونه‌ای از اشعار عامه مردمان ترک‌زبان‌اند. این اشعار، دوبیتی و هجایی‌اند. یکی از ویژگی‌های کم‌نظیر بایاتی‌ها، تنوع مضمون و درون‌مایه است. در بایاتی‌ها، مضامین گوناگون غنایی، اجتماعی، تاریخی و دینی به چشم می‌خورد. بایاتی‌ها در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، بسیار معروف و مشهورند و پژوهش‌های خوبی درباره آن‌ها صورت گرفته است اما درباره بایاتی‌های سایر مناطق ترک‌زبان، به‌ویژه شهرستان زندیه (استان مرکزی) پژوهش خاصی صورت نگرفته است. در این مقاله، بایاتی‌های روستاهای حکیم‌آباد، قاسم‌آباد و صدرآباد از توابع شهرستان زندیه (استان مرکزی) جمع‌آوری و بررسی شده‌اند. در این پژوهش، حدود یکصد بایاتی از زبان مردم روستاهای یادشده، شنیده و ضبط شده است و آن‌گاه بر اساس محتوا و درون‌مایه طبقه‌بندی شده‌اند. در این طبقه‌بندی مشخص شد که بیشترین بسامد را بایاتی‌های غنایی دارند. از این بایاتی‌ها، ۱۹ بایاتی در این مقاله معرفی و از منظر محتوا و ساختار بررسی شدند. مشخص شد که در بایاتی‌های غنایی روستاهای ذکرشده، مضمون اصلی، عشق است؛ عشقی ملموس؛ ساده و روستایی؛ البته در کنار این مضمون گاهی به برخی از دل‌مشغولی‌ها و نگرانی‌های اجتماعی و فرهنگی نیز اشاره شده است. این بایاتی‌ها از نظر ساختار، همانند بایاتی‌های ترکی آذربایجانی چهار مصرع‌اند؛ وزن در آن‌ها هجایی (هفت هجایی) است، اما کمیّت هجاها در همه آن‌ها رعایت نمی‌شود و به همین دلیل، درنگ و مکث در تنظیم آهنگ نقش مهمی دارد. به زبانی ساده، روان و بی‌تکلف سروده شده‌اند. در اغلب آن‌ها قافیه وجود دارد؛ البته قافیه در برخی از آن‌ها با اصول قافیه در شعر رسمی تفاوت دارد و در بسیاری از

مواضع، سراینندگان، فقط به هم‌آوایی حروف و کلمات پایانی توجه داشته‌اند. وانگهی در بیشتر این بایاتی‌ها، مصراع‌های اول و دوم در حکم مقدمه‌ای هستند و مضمون اصلی در مصراع‌های پایانی بیان می‌شود. این پژوهش می‌تواند برای جمع‌آوری، ضبط و توصیف و تحلیل بایاتی‌های سایر مناطق ترک‌زبان به عنوان نمونه‌ای مفید تلقی شود.

#### پی‌نوشت‌ها

- ۱- حاج اسماعیل انوری: صدساله، از اهالی روستای قاسم‌آباد شهرستان زرنده، بازنشسته شرکت تنباکو و دارای سواد مکتب‌خانه‌ای.
- ۲- صغری خاتون پیداد: هشتاد و سه ساله، از اهالی روستای حکیم‌آباد شهرستان زرنده، خانه‌دار و بی‌سواد.
- ۳- ماهی‌زر خدادادی: هشتاد و هفت ساله، از اهالی روستای حکیم‌آباد، بی‌سواد و خانه‌دار.
- ۴- ابراهیم گل‌سرخ: هفتاد و سه ساله، از اهالی روستای صدرآباد شهرستان زرنده، شغل آزاد و سواد در حد پنجم ابتدایی.
- ۵- حاج اصغر انوری: هشتاد و پنج ساله، از اهالی روستای حکیم‌آباد، کاسب، سواد مکتب‌خانه‌ای.

#### منابع

- ۱- اسرافیلی، حسین. (۱۳۸۷). «دوبیتی‌های آذری»، مجله شعر، ۱۵(۶)، ۱۶-۱۹.
- ۲- امیری، اسدالله. (۱۳۹۵). «بایاتی‌های روستای مرغنی»، مجله آذربایجان ائل بیلمی، ۸(۵)، ۵۹-۶۰.
- ۳- باباپور، زین‌العابدین. (۱۳۷۱). تورکجه شعرین هجا وزنی، تهران: مؤلف.
- ۴- پرنده، رادبه. (۱۳۹۳). مفهوم‌بندی‌های فرهنگی- اجتماعی در اشعار بایاتی آذربایجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال.
- ۵- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۷). زبان و ادبیات عامه ایران، چاپ سوم، تهران: سمت.
- ۶- روشن، حسین. (۱۳۵۳). «دوبیتی‌های آذربایجان»، مجله نگین، ۱۰(۵)، ۶۳-۶۳.
- ۷- سفیدگر شهنقی، حمید. (۱۳۸۱). «نگاهی گذرا به بایاتی‌های آذربایجان»، نشریه فرهنگ مردم، ۱(۲)، ۳۲-۴۳.

بررسی ساختاری و محتوایی بایاتی‌های غنایی... (ص ۸۹-۱۰۹)----- اصغر شهبازی و همکار ۱۰۹

۸- سومینا، م. (۱۳۸۷). «قبله‌گاه قبیله» (نگاهی به قالب بایاتی در ادبیات آذربایجان)، مجله شعر، ۱۵(۶)، ۲۰-۲۴.

۹- صدیقیان، حسین. (۱۳۸۹). بررسی باستان‌شناسی سفال‌های اسلامی محوطه مشکین تپه پرنک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

۱۰- صرافی، علیرضا. (۱۳۹۵). «مقدمه»، مجله آذربایجان ائل بیلیمی، ۸(۵)، ۴-۵.

۱۱- ضیا مجیدی، لایلا و امید طیب‌زاده. (۱۳۹۰). «بررسی وزن اشعار عامیانه فارسی بر اساس نظریه وزنی»، مجله ادب‌پژوهی، ۵(۲)، ۵۹-۷۹.

۱۲- ضیا مجیدی، لایلا. (۱۳۹۹). دو نوع وزن در اشعار ترکی شهریار: تحقیقی بر اساس نظریه وزنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی امید طیب‌زاده، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.

۱۳- طوسی نصرآبادی، محمدرضا. (۱۳۹۴). «وزن در بایاتی‌های ترکی آذربایجانی»، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۵(۲)، ۱۴۹-۱۶۱.

۱۴- قرائی، حمید. (۱۳۹۵). «سواه قوم شاهسون لری ایچینده فال بایاتیلاری»، مجله آذربایجان ائل بیلیمی، ۸(۵)، ۶۱-۶۵.

۱۵- کمالی، علی. (۱۳۶۰). «تیلیم‌خان»، مجله وارلیق، ۳(۲)، ۵۰-۵۸.

۱۶- کمالی، علی. (۱۳۶۲). «فولکلور پارچالاری»، مجله وارلیق، ۵(۱۱-۱۲)، ۷۶-۸۷.

۱۷- محمدزاده صدیق، حسین و منیژه شیرمحمدی. (۱۳۸۸). عروض در شعر ترکی، تهران: تکدرخت.

۱۸- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). سالنامه آماری استان مرکزی، اراک: استانداری مرکزی.

۱۹- هیئت، جواد. (۱۳۷۴). ادبیات‌شناسی لیق، تهران: وارلیق.